

آموزش کارآفرینی و توسعهٔ تعاونیها دو راهکار اساسی اشتغالزایی دانش‌آموختگان کشاورزی در شرایط جهانی شدن اقتصاد در ایران

فرهود گل محمدی* - عضو باشگاه پژوهشگران جوان و دانشجوی دکتری رشته
کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات

چکیده

از اهداف هر نوع آموزشی، تغییر در دانش، بینش و ایجاد و پرورش توانایی و مهارت در فراگیران است تا منجر به زندگی بهتر فرد شود. از جمله مباحث جدید در آموزش علوم مختلف به ویژه اقتصاد، مدیریت، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، علوم و مهندسی، کارآفرینی است. فرایندی که با تشکیل مجموعهٔ منحصر به فردی از منابع با هدف بهره‌گیری از فرصتها، فراگیران را قادر می‌سازد به طراحی و اجرای فعالیتهای جدید بیشتر یا وجه اقتصادی پرداخته و بتوانند با تخصیص منابع کمیاب، زندگی خود را به پیش برند. کشاورزی یکی از سه بخش عمدهٔ اقتصادی کشور است که با دربرگرفتن زندگی حداقل نیمی از جمعیت کشورمان، تأمین غذای مردم را برعهده دارد. امروزه بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاهی، یکی از مشکلات بزرگ جامعهٔ ایران است. عوامل متعددی در ایجاد و گسترش این پدیده دخالت دارند. از جمله می‌توان به سطح پایین آموزشها در اغلب دانشگاههای کشور و عدم آموزش و توسعهٔ مهارتهای کارآفرینی و اشتغالزایی در دانشگاههای کشور اشاره کرد. متأسفانه دانش‌آموختگان دانشگاهی در بخش کشاورزی وضعیتی بسیار نامطلوب تر نسبت به سایر رشته‌های دانشگاهی دارند. اغلب فارغ‌التحصیلان کشاورزی، تنها خواهان مشاغل اداری و دولتی هستند و عملاً هیچ‌گونه علاقه و توانایی برای کارهای تولیدی کشاورزی (علی‌رغم تسهیلات موجود) ندارند. درحالی که با شناسایی امکانات،

* Email : farhoodgol2003@yahoo.com, FARHOOD@GMALL.COM

فرصت‌ها و چالش‌های بخش کشاورزی، می‌توان فرصت‌های شغلی متعددی ایجاد کرد. جهانی شدن اقتصاد پدیده بسیار مهمی است که سالهای آینده، بزرگ‌ترین چالش کشاورزی ایران خواهد بود. به گفته بسیاری از صاحب‌نظران، نداشتن راهبرد مناسب برای مواجهه با آن، موجب ورشکستگی، بیکاری و مهاجرت ۳ الی ۵ میلیون خانوار کشاورز معیشتی و خرده‌پا می‌شود که توان تولید رقابتی در شرایط اقتصاد جهانی را ندارند. تعاونیه‌های موجود در بخش کشاورزی ایران، در صورت وجود برنامه دقیق، اصلاحات ساختاری و سیاست‌های حمایتی، می‌توانند در انسجام بخشی به فعالیتهای متحد کردن کشاورزان و کاربرد فناوریهای نوین و در نهایت اقتصادی کردن تولیدات کشاورزی ایران، به ویژه پس از پیوستن به سازمان تجارت جهانی نقش عمده‌ای داشته باشند. در این مقاله پس از طرح تعاریفی از کار آفرینی و مفاهیم مرتبط با آن، مفهوم جهانی شدن، سیر تاریخی و آثار آن به ویژه در بخش کشاورزی، بررسی و جایگاه تعاونی در شرایط جهانی شدن تبیین می‌شود. در انتها پیشنهادهایی درباره ایجاد اشتغال برای دانش‌آموختگان بخش کشاورزی از طریق تعاونیه‌ها طرح می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: کشاورزی، اشتغال، کار آفرینی، تعاونی، جهانی شدن، تجارت جهانی.

مقدمه

اگر سه راهکار اصلی دستیابی به توسعه در جوامع بشری، حذف فقر، بیکاری و نابرابری باشد، توسعه و حمایت از بنگاه‌ها و مؤسسات کار آفرین یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین راهکارهاست. بخش کشاورزی ایران با تأمین ۲۵ درصد اشتغال و تولید ناخالص داخلی نقش اساسی در اقتصاد ایران دارد. عده‌ای از صاحب‌نظران معتقدند که بخش کشاورزی ایران توانایی ایجاد چند صد هزار فرصت شغلی جدید در برنامه چهارم توسعه را داراست. عده‌ای دیگر معتقدند که با حذف نزدیک به ۴۰ درصد بیکاری پنهان موجود در این بخش و استفاده از روش‌ها و نظام‌های تولیدی کار آتر، میزان تولید کاهش نمی‌یابد. در بررسی اشتغال در بخشهای مختلف اقتصادی، زاویه نگاه پژوهشگر به بخش کشاورزی و نقش آن در فرآیند توسعه و اشتغال آفرینی بسیار حائز اهمیت است. زیرا تنها بخشی است که از نظر تولیدات و اشتغال‌های پسین و پیشین، ظرفیتهای افزایشی غیر قابل مقایسه با دیگر بخشهای اقتصادی دارد. در عین حال کار آفرینی در بخش کشاورزی با مشکلات و محدودیتهای بسیاری روبه‌روست از جمله خرد شدن اراضی و غیراقتصادی بودن بهره‌برداری، نداشتن سرمایه کافی و امکانات تولید. سالخورده‌گی شاغلان بخش کشاورزی هم عامل مهمی است، چه در چهار دهه گذشته، از

تعداد شاغلان جوان و میانسال این بخش کاسته شده است. سالخوردگی جمعیت بخش کشاورزی پیامدهای منفی بسیار زیادی دارد از جمله کاهش بهره‌برداری از نیروی کار، عدم خودباوری و نداشتن خلاقیت. هر چند با سرمایه‌گذاری دولت و تسهیلات بانکی، می‌توان کار آفرینی را در این بخش افزایش داد، اما موانع و مشکلات متعدد باعث عدم کار آفرینی در بخش کشاورزی شده است. نقش کار آفرینی در رشد اقتصادی، اجتماعی و اشتغال‌زایی تمامی کشورها، به ویژه کشورهای توسعه یافته، اثبات شده است، اما نکته مهم در آموزش کار آفرینی، تعلیم آن به دانش‌آموختگان (به ویژه در بخش کشاورزی)، مدیران زن و خانه‌داران است. امروزه کشورهای صنعتی و فراصنعتی بخش زیادی از برنامه‌های آموزشی دانشگاهها و مؤسسات عالی خود را به ترویج و توسعه برنامه‌های کار آفرینی اختصاص داده‌اند. از دهه پنجم قرن گذشته، روان‌شناسان، متخصصان علوم رفتاری، جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران علوم اقتصادی با پی بردن به نقش مهم کار آفرینی در توسعه اقتصادی جوامع و به منظور شناسایی ویژگیها و الگوهای رفتاری کار آفرینان به بررسی و تحقیق در خصوص آنان پرداخته‌اند. امروزه، نتایج حاصل از مطالعات آنها می‌تواند راهگشای پژوهشگران و علاقه‌مندان برای رشد و پیشرفت کار آفرینی باشد.

هدف پژوهش

هدف پژوهش حاضر، ارائه چارچوبی نظری و کاربردی برای سازماندهی به تشکلهای مشارکتهای مردمی کشاورزان و تولیدکنندگان به ویژه دانش‌آموختگان بخش کشاورزی است. این چارچوب در قالب شرکتهای تعاونی مدنظر است که راهکاری برای مقابله با شرایط جدید اقتصاد جهانی به خصوص در بخش کشاورزی و ایجاد اشتغال و کار می‌باشد.

مسئله پژوهش

جهانی شدن اقتصاد، چالشها، کاستیها، ضررها و فواید زیادی را باعث شده است. شناسایی موارد فوق و ارائه راهکار مخصوصاً در بخش مهم و حیاتی اشتغال دانش‌آموختگان بخش کشاورزی باعث برنامه‌ریزی دقیق‌تر و غلبه بر کاستیهای احتمالی در هنگام پیوستن به سازمان تجارت جهانی خواهد شد.

پیشینه پژوهش

در منابع اینترنتی، کتب، مقالات انگلیسی و فارسی، مطلبی که مستقیماً به موضوع تحقیق حاضر بپردازد وجود نداشت. شاید دلیل اصلی آن نو بودن موضوع به ویژه در کشورهای در حال توسعه باشد. هر چند که در مورد واژه‌های کلیدی تحقیق، مقالات گسترده و پراکنده‌ای در منابع فوق مشاهده می‌شود.

روش و مواد

روش تحقیق از نوع توصیفی، مقایسه‌ای، تاریخی و کاربردی است. برای انجام تحقیق، مطالعه کتابخانه‌ای وسیعی انجام شد. ضمناً تجربه سالها تحصیل، تدریس، مطالعه و شرکت نگارنده در کنفرانسهای گوناگون در زمینه موضوع پژوهش، کمک حال مؤثری بوده است.

تعریف مفاهیم

کار آفرینی و کار آفرین

الف) کار آفرینی

کار آفرینی فرآیندی است که به ایجاد رضایتمندی و یا تقاضای جدید منجر می‌گردد. کار آفرینی عبارت است از فرآیند ایجاد ارزش از راه تشکیل مجموعه منحصر به فردی از منابع به منظور بهره‌گیری از فرصتها (احمدپور داریانی، ۱۳۷۸). کار آفرینی عبارت است از اقدام به کارهایی که در شرایط عادی و به شکل تجارت روزمره انجام نمی‌گیرد. در حقیقت، پدیده‌ای است که به طور اساسی تحت تأثیر ابعاد وسیع تری از جمله روان‌شناسی، مدیریت و علوم اقتصاد است (یدالهی فارسی، ۱۳۸۳).

ب) کار آفرین

کار آفرین فردی است که مسئولیت نخست وی جمع‌آوری منابع لازم برای شروع کسب و کار است. او کسی است که منابع لازم برای شروع، یارشد کسب و کاری را بسیج می‌کند و تمرکز او بر نوآوری و توسعه فرآیند، محصول و یا خدمات است (احمدپور داریانی، ۱۳۷۸). کار آفرین کسی است که فرصتها را کشف و تقاضا را پیش بینی می‌کند و خطر ناشی از نوسانات آن را به عهده می‌گیرد. او موجد فرآیند تولید، عامل سازماندهی و مسئول تصمیماتی مانند «چه تولید شود؟ چقدر تولید شود؟ و با چه روشی تولید شود؟» است (صمد آقایی، ۱۳۷۸).

آموزش کار آفرینی

هم‌زمان با اثبات نقش کار آفرینی در اشتغال‌زایی و رشد اقتصادی و اجتماعی تمامی کشورها، به ویژه کشورهای توسعه یافته در دهه‌های اخیر آموزش و تعلیم کار آفرینی بین مدیران، تجار، دانشجویان و زنان مدیر و خانه‌دار مسئله روز کشورهای صنعتی و فراصنعتی شده است. آموزش کار آفرینی در این کشورها، بخش زیادی از برنامه‌های آموزشی دانشگاهها و مؤسسات را به خود اختصاص داده است. در آمریکا بیش از ۵۰ دانشگاه، آلمان ۴۲ دانشگاه و مؤسسه، لهستان ۱۳، سوئد ۸، ایتالیا ۵، فنلاند ۶، هلند ۵، اتریش ۷، مالزی ۴، مجارستان ۷ و در تایوان، بنگلادش و اندونزی، حداقل دو دانشگاه، کار آفرینی را تدریس می‌کنند. طی ۵ سال اخیر، مقدمات برپایی حدود ۱۶ مرکز کار آفرینی در دانشگاههای ایران نیز آغاز شده که این مراکز مسئولیت تحقیق و آموزش را به عهده دارند، هر چند برنامه‌های آموزشی این مراکز هنوز کاملاً فراگیر نشده است (نصیری قیداری، ۱۳۸۱).

اهداف آموزشی کار آفرینی

برنامه‌های آموزش کار آفرینی اهداف مختلفی را دنبال می‌کنند. از جمله اهداف خاص و قابل ارزیابی آن، میزان یادگیری دانشجویان و رضایت آنان از واحد درسی یا استاد و از اهداف کلی آن ماهر شدن کار آفرین در استفاده از فنون مختلف تحلیل برای ارتقای قوه قضاوت صحیح است، البته اهداف افراد از شرکت در دوره و نیز نوع نیازهای مهارتی و علمی آنها می‌تواند متفاوت باشد. یقیناً به مجموعه علمی و مهارتی خاصی برای تخصصهای مختلف نیاز است. اما جنبه‌هایی از آموزش نیز وجود دارد که با توجه به مضمون و ماهیت انگیزشی آنها قابل تعمیم به همه مشاغل است. برای نمونه نحوه فرصت‌یابی، چگونگی کسب منابع، مهارت‌یابی در کاربرد فنون تحلیل و مدیریت، افزایش توان کار آفرینی، قدرت تحلیل موقعیتهای اقتصادی و ترکیب یک طرح عملیاتی از آن جمله‌اند.

اهداف مختلف دوره‌های آموزشی عبارت‌اند از (احمدپورداریانی، ۱۳۷۸):

- کسب دانش مربوط به کار آفرینی.
- کسب مهارت در تحلیل فرصتهای اقتصادی و ترکیب برنامه‌های عملیاتی.
- تعیین و تقویت ظرفیت، استعداد و مهارت کار آفرینی.
- القای مخاطره‌پذیری در فنون تحلیلی.
- توسعه همفکری و حمایت متقابل در جنبه‌های انحصاری کار آفرینی.
- تقویت نگرشها در جهت پذیرش تغییر.

کارآفرینی از دیدگاه پژوهشگران علوم رفتاری

از اواسط قرن بیستم روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و دانشمندان علوم رفتاری با درک نقش کارآفرینان در اقتصاد و به منظور شناسایی ویژگیها و الگوهای رفتاری آنان، درباره کارآفرینان بررسی کردند. از جمله این گروه از اندیشمندان علوم رفتاری «هوشلیتز»^۱ است که می‌گوید: «اگر نظریه پردازان مکتب سرمایه‌داری در همه موارد با یکدیگر اختلاف داشته باشند در یک مسئله با هم موافق اند و آن این است که همراه با رشد تولیدات در جامعه سرمایه‌داری، طبقه‌ای از افراد جدید به نام بورژواها، کارآفرینان یا کاسب کاران ظهور می‌کنند که عملکردشان، عدم قطعیت را به دنبال دارد (1961 Mecllland)، «رابرت لمب» معتقد است، کارآفرینی نوعی تصمیم‌گیری اجتماعی است که نوآوران اقتصادی انجام می‌دهند. نقش عمده آنها اجرای فرآیند گسترده ایجاد جوامع محلی، ملی و بین‌المللی و یادگرگون کردن نهادهای اجتماعی و اقتصادی است (Plamer, 1987). «هربرتون ایوانز» معتقد است که کارآفرین وظیفه تعیین نوع کسب و کار مورد نظر را بر عهده داشته و یا آن را می‌پذیرد. همچنین تصمیم‌گیری در خصوص ماهیت کالا و خدمات، اندازه مؤسسه و مشتریهای مورد نظر از نخستین بر عهده کارآفرین و سپس بر عهده مدیر است. هر چند نقش کارآفرین پایان نمی‌پذیرد و دائماً باید هوشیار باشد تا با توجه به تغییر شرایط بازار و ایجاد فرصتهای جدید، تصمیمات جدیدی اتخاذ نماید (ibid.). «مک‌کله‌لند» معتقد است که مدیر نوآوری که مسئول تصمیم‌گیری است به اندازه مدیر یک شرکت، کارآفرین است. وی معتقد است کارآفرین کسی است که شرکت (یا واحد اقتصادی) را سازماندهی می‌کند و ظرفیت تولیدی آن را افزایش می‌دهد. وی همچنین ویژگیهای کارآفرین را داشتن نیاز به پیشرفت و مخاطره‌پذیری معرفی نمود (Mecllland, 1961). از دیدگاه «پنروز»^۳ جنبه اصلی کارآفرینی، شناسایی و بهره‌برداری از افکار فرصت طلبانه برای گسترش شرکتهای کوچک تر است (Penrose, 1968). «شالن برگر»^۴، کارآفرین را مترادف با جسور، مخاطره‌جو، مخاطره‌پذیر و مجری می‌داند و واژه‌هایی مانند سازگاری، محاطه‌کاری و روزمرگی را متضاد کارآفرینی ذکر می‌کند (عسگری، ۱۳۸۱).

1. B.F. Hoselitz, 1951

2. R. Lamb, 1952

3. H. Ivanze, 1957

4. S. Burger

ادراک قابلیت‌های کار آفرینی

به منظور درک بهتر قابلیت‌های کار آفرینی، نخست به عواملی که هر مؤسسه کار آفرینی برای رشد خود به آنها نیاز دارد اشاره می‌شود، سپس مباحثی چون ارزشها، انگیزه‌ها، انگیزشها، نیازهای اجتماعی، کار آییهای رفتاری، رویکردها و اهداف و عملکردهای کار آفرینانه که از مهم‌ترین مفاهیم در توسعه و ترویج روان‌شناسی کار آفرینی اند، ارائه خواهد شد (سن‌گوپتا، ۱۳۸۳).

انگیزه‌ها و انگیزشها

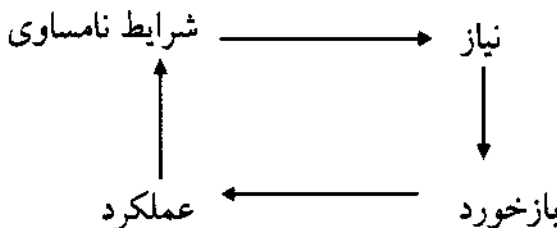
انگیزه، عاملی است که موجود زنده را وادار و تشویق به فعالیت در مسیر خاصی می‌کند، و انگیزش حالتی است که در فرد دیده می‌شود. برای نمونه، انگیزه گرسنگی عاملی است که ما را وادار به فعالیت برای یافتن غذا می‌کند و انگیزش، حالت گرسنگی و میل به غذاست. برای کار آفرین بودن، توجه به ویژگیهای زیر ضروری است:

- عالی بودن (هماهنگی با دیگران از ملاکهای عالی بودن است).
- تمایل به کسب چیزهای بی‌مانند.
- در صورتی که فرد بتواند اهداف دراز مدت برای خود تعیین کند، موفقیت وی آشکار می‌شود.
- تأثیر گذاشتن بر محیط ضروری است.

فرآیند انگیزش

به نمودار ۱ توجه کنید:

نمودار ۱- فرایند انگیزش



(منبع: گنجی، ۱۳۸۲)

نیازهای اجتماعی

در میان نیازهای مختلف اجتماعی انسان، سه نیاز از اهمیت خاصی برخوردارند:

- ۱- نیاز پیوندجویی (تعلق، توجه، دوست داشتن)؛
- ۲- نیاز به قدرت (کنترل، اثربخشی، آسایش، نفوذ در دیگران)؛
- ۳- نیاز به پیشرفت (به انجام رساندن کار، رقابت، بی مانند بودن، درگیر شدن طولانی مدت با کار؛ با توجه به فرآیند رفع این نیازها در افراد، قادر به توسعه و گسترش گرایشات کار آفرینی در افراد مختلف متناسب با نیازی که دارد، هستیم (گنجی، ۱۳۸۲).

نیاز به پیشرفت

طبق نظریه «مک کله لند» نیاز به پیشرفت در افراد مختلف متفاوت است. به طور نمونه، نیاز به پیشرفت در افرادی که این نیاز را در سطح بالایی دارند، به صورت زیر است:

- نشان دادن تحمل، صبر و شکیبایی
- آینده نگری
- تمایل به رقابتهای بین فردی
- مسئولیت پذیری
- تمایل به پافشاری در مواجهه با مخالفان
- تمایل به مخاطره پذیری (در حد منطقی)
- تمایل به دانستن نتایج تلاشها و فعالیتهای
- تمایل به خلاقیت و نوآوری در کارها

کاراییهای رفتاری (برای کار آفرینی) جامع علوم انسانی

حوادث و رویدادهای زندگی برای ما آن گونه اتفاق می افتد که فکر می کنیم. یعنی اعمال ما مطابق با افکار ماست. کاراییهای رفتاری برای کار آفرینی به شرح ذیل است:

- خلاقیت و نوآوری
- مخاطره پذیری
- ابداع
- حل مشکلات (حل مسئله)
- استاندارد / کیفیت انجام کار
- برنامه ریزی منظم
- تحت نفوذ قرار دادن دیگران

کاراییهای لازم برای اقدام به کار آفرینی

این کاراییها به شرح زیر است (سن گوپتا، ۱۳۸۳؛ مقیمی، ۱۳۸۱):

- ۱- شناسایی محیط و کسب فرصتها
- ۲- ارزیابی بازار
- ۳- انتخاب طرح
- ۴- فرمول سازی طرح (صورت بندی طرح)
- ۵- دسترسی به فرصتها (برای نمونه طرحهای زیادی وجود دارند، اما بیشتر مردم از آنها بی اطلاع اند)
- ۶- حمایت از خط مشیهای مورد نیاز
- ۷- فعال کردن منابع (استفاده از منابع)
- ۸- تأسیس یک واحد

اشتغال و کار آفرینی در بخش کشاورزی ایران

بخش کشاورزی، از بخشهای اقتصاد کشور است که تأمین کننده سهم مهمی از تولید ناخالص داخلی، اشتغال، نیازهای غذایی، صادرات غیرنفتی و نیاز صنایع است. این بخش، طی چند دهه گذشته بارشد تدریجی ولی پیوسته همچنان نقش تعیین کننده ای در اقتصاد کشور ایفا کرده و حتی در شرایط بسیار نامطلوب اقتصادی نیز شکوفایی و ظرفیتهای خود را نشان داده است. توسعه بخش کشاورزی، پیش شرط و نیاز ضروری توسعه اقتصادی کشور است و تا زمانی که موانع توسعه در این بخش برطرف نشود، سایر بخشها نیز به شکوفایی و رشد و توسعه دست نخواهند یافت. تجارب کلیه کشورهای پیشرفته و در حال توسعه جهان این نظر را تأیید می کند.

کشاورزی مادر چند دهه اخیر از نظر افزایش بهره برداری از اراضی و منابع آب جدید، افزایش عملکرد محصولات یا بهبود بهره وری نیروی کار، بهبود سطح فناوری و به کارگیری نهادههای کشاورزی شامل انواع کود و سموم شیمیایی، بذرهای اصلاح شده، مکانیزاسیون وسیع و گسترده و گسترش زیرساختهای کشاورزی، رشد و گسترش چشمگیری داشته است. به طوری که حجم تولید این بخش به طور مطلق در سه دهه اخیر بیش از سه برابر افزایش یافته است. اما کشاورزی، مشکلات و محدودیتهای بسیاری هم دارد که مانعی در راه توسعه بیشتر آن است. خرد شدن اراضی و غیراقتصادی بودن قطعات، سیاستهای کلان محدود کننده، سطح نازل سواد کشاورزی، ضعف بنیه مالی اغلب کشاورزان، نداشتن سرمایه کافی برای سرمایه گذاری در امور زیربنایی و ریسک پذیری بالای فعالیتهای مختلف کشاورزی، از جمله

عواملی اند که توسعه بخش کشاورزی را با مانع و محدودیت مواجه می‌کنند.

بررسی ظرفیتهای اشتغال‌زایی بخش کشاورزی

براساس بررسیهای انجام شده، جمعیت کشور در سال ۱۴۰۰ بیش از ۹۰ میلیون نفر خواهد شد و جمعیت فعال کشور نیز تقریباً ۲۶/۹-۲۴ میلیون نفر برآورد می‌گردد. در صورتی که نسبت شاغلان کنونی بخش کشاورزی که تقریباً ۲۸-۲۶ درصد برآورد شده است، براساس مبانی نظری کاهش یابد، گزینه‌های متفاوتی را می‌توان در این زمینه پیش بینی نمود:

جدول ۱- برآورد جمعیت شاغل در بخش کشاورزی طی سالهای ۱۴۰۰-۱۳۷۵
 براساس گزینه‌های متفاوت (هزار نفر)

عنوان	سال			
	۱۴۰۰	۱۳۹۰	۱۳۸۰	۱۳۷۵
گزینه ۱	۲۴۴۳۱	۱۹۸۴۶	۱۶۱۲۲	۱۴۵۳۱
	۴۰۰۶	۳۴۷۳	۳۳۸۵	۳۳۴۷
	نسبت جمعیت کشاورز به شاغل	۱۶/۴	۱۷/۵	*۲۱
گزینه ۲	۲۶۹۴۰	۲۱۰۴۵	۱۶۴۴۰	۱۴۵۳۱
	۴۰۱۴	۳۴۹۴	۳۳۸۶	۳۳۴۷
	نسبت جمعیت کشاورز به شاغل	۱۴/۹	۱۶/۶	*۲۰/۶

(۱): طرح تدوین برنامه اول ۱۴۰۰ سازمان برنامه و بودجه

*: در شرایط کنونی برآورد مرکز آمار ایران بین ۲۸-۲۶ درصد است.

(منبع: هاشمی‌داران، ۱۳۸۴)

در شرایط گزینه ۱ که سهم اشتغال بخش کشاورزی ۱۶/۴ درصد باشد، در سال ۱۴۰۰ جمعیت شاغل بخش کشاورزی بیش از ۴ میلیون نفر برآورد می‌گردد که در مقایسه با شرایط فعلی، نیاز به ایجاد ۶۵۹ هزار فرصت شغلی است. در شرایط گزینه ۲ که سهم اشتغال بخش کشاورزی از

۲۳/۰۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۴/۹ درصد در سال ۱۴۰۰ کاهش یابد، جمعیت شاغل بخش کشاورزی در سال ۱۴۰۰ بیش از ۴ میلیون نفر برآورد می‌گردد که در مقایسه با شرایط فعلی باز نیاز به ایجاد ۶۶۷ هزار فرصت شغلی است. لازم به ذکر است سهم اشتغال بخش کشاورزی از ۵۶ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۲۳/۰۴ درصد در سال ۱۳۷۵ رسیده است، لیکن سهم مطلق آن کاهش نیافته است. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود فارغ از وجود ظرفیتهای استفاده نشده در بخش کشاورزی، به لحاظ مبانی نظری نیز با فرض روند کاهنده سهم اشتغال بخش کشاورزی از شاغلان کشور، می‌بایست افزایش کمی و مطلق اشتغال در بخش کشاورزی را پذیرفت. بررسیها نشان می‌دهد که براساس ظرفیتهای شناسایی شده، پیش‌بینی میزان فرصت اشتغال‌زایی در سال ۱۳۸۲ به تفکیک طرحهای مختلف به شرح جدول ۲ است:

جدول ۲- خلاصه اطلاعات طرحهای اشتغال‌زایی سال ۱۳۸۲*

عنوان طرح	برنامه اجرایی	اشتغال‌زایی (نفر)	توضیحات
طرح تولید محصولات گلخانه‌ای	۱۸۰۰ هکتار	۲۱۶۰۰	هر هکتار ۱۲ شغل
طرح تولید و طرح زیتون	۱۴۷۶۲۷ هکتار	۳۶۹۰۷	هر ۴ هکتار یک شغل
طرح تبدیلی اراضی زراعی شیبدار استان گلستان به باغهای منظر	۹۰۰۰ هکتار	۱۶۸۸	
طرح آبیاری تحت فشار	۱۰۰۰۰۰ هکتار	۱۷۰۰۰	هر ۵/۸ هکتار یک شغل
طرح توسعه مکانیزاسیون (توزیع تراکتور و کمباین)	۱۵۰۰۰ دستگاه تراکتور سنگین و سنگین ۶۰۰ دستگاه کمباین	۱۵۶۰۰	هر دستگاه با حذف جایگزین یک شغل
طرح توسعه صنایع تبدیلی و تکمیلی	انعام ۱۷۵۰ پروژه نیمه‌تمام بالای ۳۰ درصد پیشرفت فیزیکی	۱۵۰۰۰	
طرحهای امور دام و شیلات	ایجاد واحدهای گاو شیری و پرواری، کارگاه پنی‌سازی، ایستگاه جمع‌آوری شیر، پرورش شترمرغ، کشتارگاه طیور، مرغداری (گوشتی، تخم‌گذار، مادر و جوجه‌کشی)، سایت پرورش میگو و ماهی	۱۰۰۰۰	در سال ۸۱ فقط در زمینه امور دام ۶۲۲۷ شغل ایجاد شده است.
جمع		۱۱۷۷۹۵	

* توضیح: طبق برآوردهای مندرج در اسناد برنامه سوم در سال ۱۳۸۲ می‌بایست ۱۱۴ هزار شغل در بخش کشاورزی ایجاد شود.

(منبع: هاشمی‌داران، ۱۳۸۴)

در برآوردهای کمی فرصتهای شغلی در برنامه سوم در سال ۱۳۸۲ بالغ بر ۱۱۷ هزار فرصت شغلی به شرح جدول ۳ پیش بینی شده است.

جدول ۳- پیش بینی اشتغال در بخشهای اقتصادی برنامه سوم توسعه
واحد: هزار نفر

بخش	سال						متوسط رشد (سالانه درصد)
	۱۳۷۸	۱۳۷۹	۱۳۸۰	۱۳۸۱	۱۳۸۲	۱۳۸۳	
کشاورزی	۳۵۱۵	۳۵۸۹	۳۶۷۶	۳۷۷۸	۳۸۹۵	۴۰۳۰	۲/۸
صنعت و معدن	۲۸۵۲	۲۹۷۷	۳۱۲۴	۳۲۸۵	۳۴۵۲	۳۶۳۳	۵
آب و برق	۱۲۸	۱۳۳	۱۳۹	۱۴۶	۱۵۳	۱۶۱	۴/۷
ساختمان	۱۴۰۰	۱۴۹۲	۱۶۱۸	۱۷۶۴	۱۹۱۷	۲۰۸۷	۸/۳
حمل و نقل	۸۹۶	۹۱۳	۹۵۵	۱۰۰۹	۱۰۶۶	۱۱۲۷	۴/۷
ارتباطات	۸۳	۸۳	۸۴	۸۴	۸۵	۸۶	۰/۷
سایر خدمات	۶۰۴۴	۶۲۳۴	۶۵۱۱	۶۸۵۲	۷۲۲۲	۷۶۳۱	۴/۸
نفت و گاز	۱۳۴	۱۳۱	۱۲۹	۱۲۷	۱۲۵	۱۲۳	-۱/۷
جمع	۱۵۰۵۲	۱۵۵۵۲	۱۶۲۳۶	۱۷۰۴۵	۱۷۹۱۵	۱۸۸۷۸	۲/۶

(منبع: هاشمی داران، ۱۳۸۴)

موانع و مشکلات اشتغال در بخش کشاورزی (به ویژه برای دانش آموختگان بخش کشاورزی)

موانع و مشکلات اشتغال در بخش کشاورزی افزون بر ویژگیهای عام و مشترک کلان اشتغال زایی در بخشهای اقتصادی جامعه، ویژگیهایی خاص و بخشی نیز دارد. از این رو، می توان آن را به دو بخش کلان و خاص درون بخشی تقسیم کرد. مشکلات کلان، مجموعه مشکلاتی است که از بیرون بخش و در نتیجه عملکرد ناهماهنگ دیگر بخشهای اقتصادی با سیاست گذار یها و بخش به وجود آمده است. مشکلات خاص درون بخشی نیز ریشه در بافت و ساختار اقتصادی و تولیدی و ظرفیتهای بخش کشاورزی دارد. در ذیل به بخشی از مهم ترین این مشکلات اشاره می شود:

- ۱- خطر پذیری بالای فعالیتهای تولیدی در بخش کشاورزی
- ۲- کمبود تجهیزات و تزریق منابع سرمایه ای و عدم وابستگی بخش کشاورزی به بازار

- سرمایه ملی
- ۳- تجهیز ناکافی منابع انسانی به آگاهیها و دانش فنی و کمبود نیروهای متخصص برای فعالیتهای کارآمد و اقتصادی
 - ۴- انباشت نیروهای بی سواد، کم سواد و سالخورده
 - ۵- پایین بودن درآمد سرانه شاغلان در مقایسه با فعالیتهای غیرمولد در مناطق شهری
 - ۶- رواج نگرشها و انتظارات در نیروهای جوان و تحصیلکرده روستایی و مغایرت آن با فعالیتهای کم بازده کشاورزی
 - ۷- کافی نبودن سرمایه گذاری در بخش کشاورزی

موانع جذب دانش آموختگان کشاورزی در بخش کشاورزی

این موانع را می توان به شرح زیر طبقه بندی کرد:

- ۱- مشکلات ساختاری بخش: نوع نظام بهره برداری غالب
- ۲- مشکلات ساختاری فرآیند آموزش: واقعیت آن است که فرآیند آموزش در نظام آموزش عالی و تغییرات افزایشی آن از جهت پوشش بیشتر جمعیت، بیشتر براساس تقاضای اجتماعی جریان دارد تا براساس نیاز و تقاضای اقتصادی. در چنین حالتی، سوگیری آموزش عالی بیشتر متناسب با کاستن از فشار فزاینده جمعیت متقاضی تحصیلات عالی است.
- ۳- جاذبه های بخشهای غیرکشاورزی: طاققت فرسا بودن فعالیتهای کشاورزی، نبود نظام تأمین اجتماعی در مناطق روستایی و بخش کشاورزی، میزان درآمد و منزلت اجتماعی و ارزش گذاری شاغلان در بخش کشاورزی عامل دیگری است که از جاذبه های بخش کشاورزی می کاهد.
- ۴- مشکلات مربوط به فضا و مکان فعالیت: میدان کار متخصصان کشاورزی، جامعه غیرشهری است. از این رو شرایط کار در بخش کشاورزی به گونه ای است که انگیزه های اشتغال را کاهش می دهد.
- ۵- مشکلات در بخش عمومی: ممنوعیت استخدام موجب رویکرد دانش آموختگان رشته های مختلف کشاورزی به دیگر منابع کاری و درآمدی شده است.
- ۶- مشکلات در بخش خصوصی: عدم انباشت سرمایه و کوچک بودن واحدهای زراعی موجب شده است تا جبران زحمات متخصصان، امکان پذیر نباشد.
- ۷- ناهمگنی جنسیت با مشاغل تخصصی: نگاه به نسبت جنسی دانشجویان

رشته‌های مختلف کشاورزی نشان می‌دهد که طی سالهای اخیر به دلایل مختلف، نسبت دانشجویان دختر به پسر تغییر کرده است. این در حالی است که دختران کمتر به اشتغال در بخش غیردولتی و تولیدی کشاورزی تمایل دارند. با توجه به موارد فوق، می‌توان اذعان نمود که مدیریت کشاورزی کشور نیازمند بهره‌گیری از نیروهای متخصص است و موفقیت و کارایی آن بستگی به استفاده بهینه از نیروی انسانی که مهم‌ترین عامل توسعه کشاورزی است، دارد، از این رو بازنگری در سیاستها و برنامه‌ها امری ضروری است.

تشریح بازار کار ایران

در بررسی وضع موجود و تحلیل روند اشتغال و بیکاری منابع انسانی کشور، عوامل مؤثر را از دو بعد عرضه و تقاضای نیروی کار می‌بایست مورد توجه قرار داد.

عرضه نیروی کار

عرضه نیروی کار یکی از عوامل اساسی تعیین‌کننده وضعیت بیکاری است که تابع عواملی مشتمل بر افزایش نسبت جمعیت ده‌ساله و بیشتر به کل جمعیت، افزایش نسبت جمعیت جوان به کل جمعیت، رشد عرضه نیروی کار زنان و تغییر نگرش جامعه نسبت به کار زنان در بیرون از خانه، گسترش آموزش عالی و افزایش تعداد دانش‌آموختگان دانشگاهها و رشد ناچیز تقاضای نیروی کار است.

مروری بر تحولات عرضه نیروی کار در دهه اخیر نشان می‌دهد، عرضه نیروی کار از ۷۸۴۱ هزار نفر در سال ۱۳۴۵ با متوسط رشد سالیانه ۲/۳ درصد به ۹۷۹۶ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ و ۱۲۸۷۵ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است. رقم مذکور برای سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ به ترتیب ۱۴۷۳۶ و ۱۶۰۲۷ هزار نفر بوده که پس از سال ۱۳۷۵ با مشاهده تغییری ساختاری در عرضه نیروی کار، تعداد این نیرو در سال ۱۳۷۸ به ۱۸۰۲۰ هزار نفر افزایش یافت. در مقطع زمانی ۷۸-۱۳۷۵، عرضه نیروی کار سالیانه ۴ درصد رشد نشان می‌دهد که این رقم در مقایسه با رشد سالیانه ۲/۴ درصدی در مقطع زمانی ۷۵-۱۳۴۵ جالب توجه است. پیش‌بینی می‌شود که رشد سالیانه عرضه نیروی کار در طی برنامه سوم، به ۳/۷ درصد افزایش یابد یعنی سالیانه به طور متوسط ۷۱۶ هزار نفر وارد بازار کار شوند که تقریباً ۲/۶ برای عرضه نیروی کار در مقطع زمانی ۷۵-۱۳۴۵ است. این مقایسه ساده نشان می‌دهد که ایجاد فرصتهای شغلی جدید در مقطع زمانی ۸۳-۱۳۷۵، بیش از دوره‌های گذشته بوده است (هاشمی داران، ۱۳۸۴).

تقاضای نیروی کار

تقاضای نیروی کار با ثابت ماندن میزان عرضه نیروی کار، تعیین کننده میزان بیکاری در کشور است. تقاضای نیروی کار عمدتاً تحت تأثیر عوامل اقتصادی است. عوامل مؤثر بر بعد تقاضای نیروی کار مشتمل بر سطح تولید، حجم صادرات، سرمایه‌گذاری و کار آیی آن، میزان به کارگیری ظرفیتهای خالی تولیدی، نوع روش تولید، مجموعه سیاستهای پولی، ارزی و مالی و چگونگی ثبات و سازگاری آنها، قوانین و مقررات ناظر بر بازار کار، امنیت سرمایه‌گذاری، درآمدهای و سایر عوامل دیگر است. مروری بر تحولات تقاضای نیروی کار در سه دهه اخیر نشان می‌دهد، تقاضای نیروی کار از ۷۵۵۷ هزار نفر در سال ۱۳۴۵ با متوسط رشد سالیانه ۲/۳ درصد به ۹۴۴۳ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ و ۱۱۰۵۶ هزار نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است. این رقم برای سال ۱۳۷۰، ۱۳۰۹۶ هزار نفر بود که می‌توان گفت در مقطع زمانی ۷۰-۱۳۶۵ سالیانه به طور متوسط ۴۳ درصد رشد داشته و به طور متوسط سالیانه ۴۰۸ هزار فرصت شغلی ایجاد شده است. تقاضای نیروی کار در سال ۱۳۷۵ به ۱۴۵۷۱ هزار نفر افزایش یافت که نشان دهنده ۲/۲ درصد رشد متوسط در فاصله زمانی ۷۵-۱۳۷۰ بوده است. در مجموع در مقطع زمانی ۷۵-۱۳۴۵، سالانه به طور متوسط ۲۳۳ هزار فرصت شغلی ایجاد شده، در حالی که سالانه ۲۷۲ هزار نفر وارد بازار کار شده‌اند. تقاضای نیروی کار از ۱۴۵۷۱ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ با متوسط رشد سالیانه ۱/۴ درصد به ۱۵۱۷۶ هزار نفر در سال ۱۳۷۸ افزایش یافته است، در مدت یاد شده، سالانه به طور متوسط ۲۰۱ هزار فرصت شغلی ایجاد شده که با توجه به هدف برنامه، میزان تقاضای نیروی کار در سال ۱۳۸۳ به ۱۸۸۷۸ هزار نفر خواهد رسید که این هدف مستلزم ایجاد ۳۱۱۵ هزار فرصت شغلی در طول برنامه سوم توسعه است. در مجموع در طی برنامه سوم برای تحقق هدف برنامه بایستی سالانه به طور متوسط ۷۴۰ هزار فرصت شغلی ایجاد شود که حاکی از رشد متوسط سالانه ۴/۵ درصدی خواهد بود (همان).

راهبردهای پایداری و اشتغال در بخش کشاورزی و فعالیتهای جانبی

- ۱- گسترش و تنوع بخشیدن به فعالیتهای وابسته و جانبی بخش کشاورزی مانند راهاندازی صنایع جانبی و فرآوری محصولات بسته‌بندی، حمل و نقل و خدمات عمومی و خصوصی و بازرسانی
- ۲- افزایش تدابیر حمایتی برای افزایش تولید و صادرات محصولات کشاورزی
- ۳- افزایش بهرروری و بهره‌برداری بهینه از منابع و عوامل تولید و تبدیل نظام کشاورزی سنتی و معیشتی به کشاورزی نو و سودآور
- ۴- حمایت از سرمایه‌گذار یهای زیربنایی در بخش کشاورزی
- ۵- بهبود نظام بازاریابی و قیمت‌ها برای محصولات تولیدی بخش کشاورزی

- ۶- تنوع بخشیدن به اقتصاد روستایی و فعالیتهای کشاورزی از طریق توجه به تولیدات با ارزش تر
 ۷- توسعه روستاها به عنوان کانون و مرکز اصلی تولیدات کشاورزی و کم کردن فاصله آنها با شهرها.

راهبرد اشتغال در بخش کشاورزی

با عنایت به تحلیل‌های ارائه شده و با رویکرد به چشم انداز بازار نیروی کار در آینده اقتصاد ملی، راهبرد اشتغال در بخش کشاورزی به شرح زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- توقف خروج نیروی کار فعال و جوان از بخش کشاورزی
- ۲- اصلاح ساختار نیروی انسانی بخش کشاورزی از بی سواد و کم سواد به نیروی متخصص و تحصیل کرده دانشگاهی
- ۳- تمرکز و هدایت نیروی متخصص و کار آفرین کشاورزی به فعالیتهای جدید بخش کشاورزی با هدایت و بهره‌گیری از سیاستهای حمایتی دولت
- ۴- هدایت نیروهای متخصص و کار آفرین کشاورزی به سمت بهره‌برداری از ظرفیتهای بالقوه و استفاده نشده زیربخش کشاورزی
- ۵- حمایت از نیروهای متخصص و دانش آموخته دانشگاهی برای توسعه فعالیتهای جانبی و غیرمستقیم بخش کشاورزی
- ۶- اتخاذ سیاستهای حمایتی در ارتقای بهره‌وری نیروی کار زنان در بخش کشاورزی و مشاغل جنبی و غیرمستقیم بخش کشاورزی

نگاهی بر روند جهانی شدن اقتصاد در بخش کشاورزی

توافق عمومی در تعرفه‌ها و تجارت جهانی، ناشی از انجام مذاکرات و گفتگوهای طولانی مدتی بود که در سال ۱۹۸۴ با هدف پیشبرد تجارت آزاد و عادلانه در میان کشورهای عضو شروع شد. دوره‌های آخر مذاکرات که به نام دور اروگوئه شناخته می‌شود، منجر به تصویب برنامه‌ای ریشه‌ای برای اصلاح تجارت بین‌المللی و شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی (گات) در ۱۹۹۵ شد. توافق ویژه‌ای نیز در عرصه اصلاح تجارت محصولات کشاورزی حاصل شد که طی آن کشورهای عضو به تلاش برای دسترسی به بازار ورقابت صادراتی و کاهش حمایت دولتی از بخش تجارت محصولات کشاورزی تشویق و متعهد می‌شدند (Robbins, 1999).

از فرایند جهانی شدن تعاریفی گوناگون ارائه می‌شود که دلیل آن می‌تواند چند وجهی

6. General Agreement on Tariffs and Trades (GATT)

7. globalization

بودن این فرایند، فراگیر بودن آن، و جدید و نوپا بودن نظریه پردازی و مطالعات مربوط باشد. تعاریف عرضه شده از پدیده جهانی شدن بسیار متنوع اند از جمله (افزایش وابستگی و درهم تنیدگی جهانی)، (فرآیند غربی کردن و همگون سازی جهان)، (ادغام همه جنبه های اقتصادی در گستره جهانی)، (پهناور تر شدن گستره تأثیرگذاری و تأثیرپذیری کنشهای اجتماعی)، (کاهش هزینه های تحمیلی فضا و زمان).

سیر تاریخی اندیشه های جهانی شدن را می توان با سه احتمال مطرح کرد:

● جهانی شدن فرایندی است که از ابتدای تاریخ بشر وجود داشته و از همان زمان تأثیرات آن روبه فزونی بوده است، اما اخیراً شتابی ناگهانی در آن پدید آمده است.

● جهانی شدن با نوگرایی و توسعه سرمایه داری هم زمان بوده است اما اخیراً در آن شتاب ناگهانی به وجود آمده است.

● جهانی شدن پدیده ای متأخر است که با سایر فرایندهای اجتماعی مانند فراصنعتی شدن، فرانوگرایی یا شالوده شکنی سرمایه داری همراه است.

آنچه که مسلم است، واژه جهانی شدن تادهه ۱۹۸۰ در محافل دانشگاهی چندان به رسمیت شناخته نمی شد. در فرهنگ آکسفورد آمده است: «کاربرد علمی جهانی شدن متأثر از نظریه «مارشال مک لوهان» درباره دهکده جهانی است که در کتاب اکتشافات در ارتباطات (۱۹۶۰) مطرح شده است» (Oxford Dictionary, 1990: 133).

فرآیند جهانی شدن با چند پدیده و عامل دیگر گسترش بیشتری یافته است که عبارت اند از: پول، فناوری، حمل و نقل و رسانه های الکترونیک. به نظر می رسد رسانه های الکترونیک مانند اینترنت و ماهواره سرعت این پدیده را زیاد کرده اند (ادریسی، ۱۳۸۳).

جهانی شدن اقتصاد فرایندی با ویژگیهای زیر است (رنجبریان و رنجبریان، ۱۳۸۳):

- ۱- سازماندهی مجدد فضایی تولید
- ۲- رشد تجارت بین المللی
- ۳- نقش روبه گسترش شرکتهای چندملیتی
- ۴- گسترش بازارهای مالی بین المللی
- ۵- کم شدن فاصله جغرافیایی میان جوامع بشری
- ۶- توسعه علوم مبتنی بر فناوری

اصول هشتگانه سازمان تجارت جهانی (مرادی، ۱۳۸۳):

- ۱- اصل عدم تبعیض و تعمیم بالشرط اصل دولت کامله الوداد.
- ۲- استفاده از محدودیتهای کمی در تجارت مثل بهینه سازی.
- ۳- کاهش و تثبیت تعرفه های گمرکی و حذف موانع تجاری غیرتعرفه ای جز در موارد محصولات کشاورزی.
- ۴- برقراری نظام تعرفه های ترجیحی باهدف اعطای امتیازی تجاری به بعضی از محصولات کشورهای در حال توسعه به منظور ساده سازی رقابت با کشورهای صنعتی.
- ۵- هر گونه عمل کشورهای عضو که جنبه دامپینگ داشته باشد ممنوع است.
- ۶- کشورهای عضو نباید برای کالاهای وارداتی، مالیاتی بیش از میزان مالیات وضع شده بر کالای ساخت داخل تعیین کنند.
- ۷- اعطای هرگونه وام (کمک بلاعوض) و تخفیف مالیاتی به منظور تشویق کالا، غیرقانونی است.
- ۸- در مورد سیاستهای بازرگانی با دیگر اعضا و حل و فصل اختلافات تجاری از طریق مذاکره، مشورت شود.

منافع پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی (همان)

- ۱- با پیوستن به سازمان تجارت جهانی و پیروی از اصول علمی، منابع به نحو بهتری تخصیص می یابند و تولید به میزان زیادی افزایش می یابد و همچنین مصرف کنندگان به حد بالاتری از رفاه با نازل ترین قیمت دست می یابند.
- ۲- در سازمان تجارت جهانی، رانت جویی و فساد که هزینه بسیار زیادی دارد، به حداقل ممکن کاهش می یابد، آزادسازی و برقراری نظام مبتنی بر بازار، امکان فعالیتهای رانت جویانه را از بین می برد.
- ۳- ایجاد ثبات در سیاستهای اقتصادی و عاملان اقتصادی در نتیجه اطمینان نسبت به آینده.
- ۴- پیوستن به سازمان تجارت جهانی، ضرورت مشارکت فعالانه در اقتصاد جهانی و حفظ تعادل تراز پرداختها، دولت را مجبور می کند که در سیاستهای پولی و مالی خود، بیشتر احتیاط کنند.
- ۵- دسترسی آسان به بازارهای جهانی.

- ۶- افزایش قدرت چانه زنی، اخذ امتیاز و قدرت مانور در تجارت.
- ۷- جذب بیشتر سرمایه‌گذاری خارجی و انتفاع از آثار مثبت آن.
- ۸- امکان استفاده از مشاوره‌ها، کمک‌ها، خدمات فنی و نظام‌های سازمان تجارت جهانی در چارچوب مقررات این سازمان برای حل اختلافات تجاری.
- ۹- توسعه صادرات ایران به ویژه در محصولاتی که مزیت نسبی در تولید آنها وجود دارد.
- ۱۰- ارتقای کیفی محصولات تولیدی داخلی به سبب لزوم رعایت استانداردهای بین‌المللی به دلیل وجود و افزایش تعداد رقیبان در بازار.
- ۱۱- امکان افزایش درآمدهای مالیاتی کشور با حذف موانع غیرتعرفه‌ای و تبدیل آنها به موانع تعرفه‌ای.
- ۱۲- اصلاح و بهبود نظام‌های حمایتی در کشور.
- ۱۳- اصلاح و به‌هنگام شدن قوانین توسعه صادرات و جلوگیری از تغییر مکرر قوانین گمرکی.
- ۱۴- اجبار دولت به گسترش حیطة عملکرد بخش خصوصی و جدیت بیشتر در خصوصی‌سازی و در نتیجه رسیدن به آثار مثبت حاصل از آن.
- ۱۵- مباحث نظری و تجربی بیانگر آن است که ساختار تعرفه‌ای ساده‌تر و کاهش نرخهای تعرفه، آثار مثبت بر درآمد و رفاه کشورهای وضع‌کننده تعرفه دارد و انگیزه قاچاق را کاهش می‌دهد.

معایب پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی (همان)

- ۱- افزایش واردات ناشی از برداشتن موانع تعرفه‌ای و حذف کنترل‌های ارزی و زیان حاصل از آن با توجه به کمبود منابع ارزی و تمایل شدید به واردات و لزوم دخالت دولت، منجر به افزایش نرخ ارزش در کشور می‌شود که خود باعث گران‌تر شدن واردات (بر حسب پول داخلی) خواهد شد و از طرفی دیگر ارزان‌تر شدن قیمت کالاهای صادراتی و در نتیجه افزایش صادرات را در پی خواهد داشت، ولی اگر ظرفیت صادراتی محدود باشد منجر به تورم یا ارزان‌تر شدن کالای صادراتی در مقابل نرخ ارز می‌شود.
- ۲- بدتر شدن تراز پرداختها و کاهش نقش دولت در مهار نرخ ارز در هنگام بی‌ثباتی اقتصادی.
- ۳- آسیب‌پذیری و ورشکستگی بنگاه‌های اقتصادی در بخش‌های کشاورزی، صنعت و خدمات و پیامدهای ناشی از آن مانند افزایش میزان بیکاری در نتیجه کاهش تولید صنایعی که توانایی رقابت را ندارند و بدتر شدن وضع توزیع درآمدها و پرداخت هزینه‌های سنگین

بابت تولید کالاهای مشمول حقوق مالکیت.

ابعاد پدیده جهانی شدن در بخش کشاورزی (شهریاری و جولا باردی، ۱۳۸۳)

تأثیر پدیده جهانی شدن بر بخش کشاورزی از دو بعد مهم است:

الف - جهانی شدن نظامها و روشهای تولید

ب - جهانی شدن بازار نهاده‌ها و محصولات (جهانی شدن اقتصاد)

در زمینه نظامها و روشهای تولید، استانداردها و روشهای کمی و کیفی نوینی به وجود آمده است که تمامی تولیدکنندگان ناگزیر از کاربرد آنها در فرایند تولید هستند. عدم اطلاع یا عدم انعطاف نظامهای تولیدی نسبت به این معیارها باعث عقب ماندن آنها در صحنه رقابت خواهد شد.

از سوی دیگر جهانی شدن اقتصاد خود به تنهایی چالش بزرگی در برابر نظامهای تولیدی است که به لحاظ وسعت و دامنه تأثیر با مجموعه عوامل ذکر شده برابری کرده و بسیاری از آنها را در برمی گیرد. جهانی شدن اقتصاد و گسترش روزافزون بازارهای جهانی محصولات و نهاده‌های کشاورزی روز به روز موجب پیچیده تر شدن تصمیمات مدیریتی مزرعه می شود و باقی ماندن در بازار رقابت جهانی در گرو داشتن اطلاعات به موقع و دقیق از این تحولات و روندهاست. در شرایط جهانی امروز مدیر هر واحد تولیدی می بایست جهانی فکر کرده و محلی تصمیم‌گیری کند.

خطرها و آثار پدیده جهانی شدن در بخش کشاورزی کشورهای در حال توسعه و کوچک

(Saldanha, 2003)

در جهان امروز، هیچ کشوری نمی تواند از جهانی شدن اجتناب کند. مطابق نظر «لو» سه نوع جهانی سازی وجود دارد: جهانی سازی بازار، جهانی سازی مستقیم و جهانی سازی غیربازار.

کشورهای کوچک به بازارهای داخلی کوچک و صادرات متمرکز شده مشخص می شوند که اغلب برای توسعه اقتصاد و مشارکت در تجارت بین المللی با هدف دستیابی به اقتصادهای معیار تحت فشار قرار می گیرند. صادرات متمرکز بر یک یا دو کالا، کشورهای کوچک را با شوکهای اقتصادی آسیب پذیر در بازارهای بین المللی مواجه می کند. از طرفی دیگر جهانی سازی از آن جهت که کشورهای کوچک را به تجارت با جهان برای پیشبرد رشد و

افزایش در آمد ترغیب می‌کند، برای این کشورها خوب است. از سویی دیگر، جهانی سازی ریسکهای ناشی از صادرات متمرکز را نیز برای کشورهای کوچک در پی خواهد داشت (Saldanha, 2003).

جایگاه و نقش بخش کشاورزی در فرایند جهانی شدن

مطابق نظر سازمان خوار بار و کشاورزی جهانی (فائو) احتمال دارد پیشرفت در تجارت جهانی، توازن تجاری محصولات کشاورزی (غلات و محصولات دامی) کشورهای در حال توسعه را به هم زند. یعنی ممکن است کشورهای در حال توسعه به واردکنندگان صرف محصولات کشاورزی تبدیل شوند. از دلایل عمده چنین امری می‌توان از هزینه بالای تولید و قیمت‌های متغیر محصولات کشاورزی، عدم توفیق مداخلات سیاسی گذشته در کاهش قیمت‌ها و مصرف بخش عمده محصولات کشاورزی (تباکو، لاستیک و کتان) و کاهش قیمت‌ها در این کشورها نام برد. دکتر «وندنا شیوا» رئیس «بنیاد تحقیقات برای علوم، فناوری و سیاست منابع طبیعی در دهلی نو» و برنده جایزه «حق امرار معاش» (معادل دیگر جایزه نوبل) در ۱۹۹۳، اعتقاد دارد در جایی که جهانی سازی و آزادسازی، نیروهایی غالب و مسلط هستند تهدید برای کشاورزان، خود کشاورزی است. تحقیقات ایشان در کشورهای گوناگون به ویژه در هندوستان و مکزیک نشان می‌دهد که آزادسازی تجارت و جهانی سازی کشاورزی بر خلاف گمانهای نخست که قرار بود موجب افزایش تولید غذا و بهبود موقعیت اقتصادی کشاورزان در سراسر جهان شوند باعث کاهش تولید مود غذایی و بهره‌وری تولید و عمیق تر شدن عدم امنیت غذایی در سرتاسر دنیا شده است و استثمار کشاورزان کوچک، فقیر و حاشیه‌ای جهان سوم به دست شرکتهای چند ملیتی غربی را در پی داشته است. در نهایت زیانهایی به مواردی حیاتی مانند حقوق بوم‌شناختی همه مردم، تنوع زیستی، تنوع فرهنگی، سلامت آب و خاک و هوا، حق کار و امرار معاش به ویژه برای تولیدکنندگان کوچک، خودکفایی غذایی در محصولات راهبردی کشاورزی و پایداری محیطی وارد می‌شود که در مقابل دستیابی به حداکثر سود در کوتاه مدت را برای شرکتهای چند ملیتی غربی در پی دارد. ضمناً شاهد غلبه محصولات مهندسی ژنتیکی و شیمیایی شده بر غذاهای طبیعی، و ترجیح تجارت و کسب سود و دلار بر مردم، محیط و امنیت غذایی خواهیم بود (Shiva, 2000; 1997).

«متقی طلب» استاد دانشگاه و رئیس پارک علم و فناوری گیلان، ایفای نقش فعال بخش کشاورزی در معادله جهانی شدن را منوط به انجام تغییرات اساسی در تعاریف، قوانین و مقررات، روشها و استانداردهای پذیرفته شده جهانی در ایران می‌داند تا از این طریق

- امکان بهره‌گیری از مزیت‌های این بخش در عرصهٔ جهانی فراهم گردد. این موارد عبارت‌اند از: (متقی طلب، ۸۲ الف؛ ۸۲ ب):
- ۱- جایگزینی مواد خام با مشخصات تعریف شده در مقابل کالاهای ورودی بدون شناسنامه.
 - ۲- انجام فرایند روی محصولات کشاورزی تا حد ممکن، به جای فروش محصولات خام فرآوری نشده.
 - ۳- حمایت از تجارت مشتری مدار در مقابل روشهایی که فشار سرمایه، تعیین‌کننده است.
 - ۴- ترجیح سرمایه‌های نرم افزاری به داراییهای سخت افزاری.
 - ۵- جایگزینی نظام کنترل مستمر سرمایه‌ها به جای ارائهٔ مدارکی دال بر اثبات تعلق سرمایه به فرد یا تشکیلات خاص.
 - ۶- محاسبهٔ هزینه‌های مربوط به ارتقای تخصصی کارکنان به عنوان یک مزیت که موجب افزایش در آمد شده و در واقع نوعی سرمایه‌گذاری است تا هزینه.
 - ۷- در نظر گرفتن فروش خدمات کشاورزی به جای محصولات کشاورزی به عنوان محوری اساسی در ارزیابی موفقیتها.
 - ۸- پذیرفتن نوعی ارتباط بین فعالیتهای مختلف کشاورزی در مقابل نظریهٔ عدم وجود رابطه.
 - ۹- ایجاد ثبات و جلوگیری از تغییرات مداوم و بی‌نظمی.
 - ۱۰- توسعهٔ تحقیقات عمومی و دوری جستن از تحقیقات خصوصی و دولتی.

تاریخچه و اهمیت بخش تعاون در کشاورزی ایران

اجتماعی زیستن از جمله ویژگیهای فطری انسان، و تشکیل خانواده بارزترین مصداق و تجلی‌گاه این ویژگی است. تشکلهای قومی و قبیله‌ای، ملی و عقیدتی، حرفه‌ای، صنفی و تخصصی پس از تشکیل خانواده، از دیگر مظاهر فطری بشر در نیل به زندگی اجتماعی برای همیاری و همکاری است. انگیزهٔ برپایی این تشکلهای ناشی از وابستگی متقابل اعضای هر جامعه برای رفع نیازهای معنوی و مادی همدیگر است. انسانها برای نیل به این مقصود به هم می‌پیوندند تا ضمن یکپارچه‌سازی توانمندیهای ذاتی و اکتسابی خود، در مقام تأمین نیازهای مشترک خود برآیند، و این هم مضمونی دیگر از فلسفهٔ تعاون است. آینده‌نگری بشر در جهت تسهیل اشتغال و بهبود شرایط زندگی خود، چنین ایجاب می‌کند که ویژگی فطری باهم زیستن و باهم کار کردن را منطبق با شرایط زمان و مکان، و در قالب تشکلهای تعاونی و تعاون گونه تحقق بخشد و گسترش دهد (شهبازی، ۱۳۸۱). تعاون، انجمن داوطلبانه‌ای از مردم است که می‌خواهند از طریق کمک متقابل، مؤسسهٔ مشترک اقتصادی به وجود آورند.

اگر چه تعاون به شکل سنتی تاریخچه طولانی دارد ولی به صورت جدید تقریباً هم‌زمان با انقلاب صنعتی به وجود آمده است. وقوع انقلاب صنعتی در اروپا و آثار اجتماعی و اقتصادی آن مشکلاتی را سبب شد که برای حل آنها تعاونیهای مختلف شکل گرفتند. نخستین تعاونیهای مصرف را در سال ۱۸۴۴ در شهر راجدیل^{۱۲} انگلستان ۲۸ کارگر بافنده با الهام از دیدگاههای «رابرت آون» و «ویلیام کینگ» انگلیسی برپا کردند. اولین تعاونیهای تولید نیز در فرانسه شکل گرفتند. پیشگامان نهضت تعاون «رابرت آون»^{۱۳}، «ویلیام کینگ»^{۱۴}، «لویی بلان»^{۱۵} و «شارل فوریه»^{۱۶} بودند که بهبود وضع اقتصادی افراد ضعیف و واحدهای کوچک اقتصادی را مهم‌ترین وظیفه تعاون می‌دانستند (دانشگاه شیراز، بی تا).

تعاونی شرکتی تجاری است که خدمات آن به بهره‌برداران آن شرکت تعلق دارد. در آمد خالص تعاونی به بهره‌برداران به نسبت یا براساس بهره‌برداری آنان پرداخت می‌شود. شرکتهای تعاونی در عرضه نهاده‌های کشاورزان به زارعان، فرآوری و بازاریابی محصولات کشاورزی، تعیین قیمت خرید محصولات کشاورزی، تعیین قیمت خرید و فروش مزارع و در برخی کشورها در تولید محصولات کشاورزی دخالت دارند (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۲). در ایران شورای ملی آن زمان رسید از شرکت تعاونی تولید و مصرف نام برده شده است. اگر چه بیش از ۲۳ سال از عمر تعاون نمی‌گذرد. در قانون تجارت سال ۱۳۱۱ ش که به تصویب مجلس شورای ملی آن زمان رسید از شرکت تعاونی تولید و مصرف نام برده شده است. اگر چه بیش از ۳ سال از عمر تعاون در ایران نمی‌گذرد ولی بررسی تاریخ ایران نشان می‌دهد که تعاون به اشکال گوناگون در بین مردم این سرزمین متداول بوده است. به ویژه در بین روستاییان، روح همیاری و تعاون در ابعاد گوناگون از کاشت، داشت و برداشت محصول گرفته تا مرمت و لایروبی قنوات و غیره رواج داشته است (دانشگاه شیراز، بی تا). هر کدام از گروههای خودیار یا دگریار که نظم و سازمان مشخصی در جامعه روستایی ایران پیدا کند به سازمانهای تعاونی تبدیل می‌شوند. واژه تعاون در مقاله حاضر به معنای خاص و تعریف شده‌ای به کار برده می‌شود. سازمانهای تعاونی براساس اینکه محور اصلی شان، یاریگری باشد، از یکدیگر تمایز داده می‌شوند:

- ۱- سازمان تعاونی خودیار: بنه، مال
- ۲- سازمان تعاونی دگریار: موقوفات

۳- سازمان تعاونی همیار: واره

نمونه صنعتی سازمانهای تعاونی خودیار؛ اتحادیه‌های کارگری، احزاب، تعاونیهای تولید جدید، و نمونه سازمانهای دگریار؛ سازمانهای حمایت از پناهندگان، مهاجران، زندانیان، کودکان و غیره است (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۲). از انواع معروف تعاونیهای سنتی در ایران می‌توان از بنه‌ها در جامعه روستایی (یک نوع سازمان تعاونی مستقل برای تولید کشاورزی و متشکل از چندین خانوار روستایی)، شیر و هره در جامعه عشایری و روستایی (که با نامهای مختلف مانند وهره، شیرواره، گاوواره، وارداش، هم‌پیمی و ... در مناطق و طوایف گوناگون ایران شناخته می‌شوند)، و حشر سیستان برای لایروبی شعبه‌های رودخانه‌های هیرمند نام برد. پژوهشی درباره فرایندهای تولیدی در روستاهای ایران نشان داده است که ۹۰ درصد کارهای تولیدی در روستاهای ایران تا قبل از اصلاحات ارضی ۱۳۴۰ بر پایه هم‌یاری مردم بوده است. به همین منظور تعدادی از خانوارهای روستایی، تیم تولید تشکیل می‌دادند که بر مبنای تقسیم کار خاصی بوده است. بعضی مواقع، سازمان تعاونی، کل جمعیت روستا را دربر می‌گرفته است (لهسایی زاده، ۱۳۷۹؛ طبیعی، ۱۳۷۴؛ رفیع پور، ۱۳۷۸). از تعاونیهای جامعه کشاورزی ایران بعد از انقلاب، می‌توان از مشاعها (تعاونیهای انقلابی) و شرکتهای تولید روستایی نام برد (لهسایی زاده، ۱۳۷۹).

تعاونی تولید روستایی نوعی بهره‌برداری گروهی دهقانان از اراضی با حفظ مالکیت فردی آنان است. از سال ۱۳۵۱ به بعد بهره‌برداری جدید در قالب شرکتهای تعاونی روستایی در بعضی از مناطق ایران شکل گرفت (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۲).

تعاونی تولید روستایی، نوعی تشکل خدمات اقتصادی، فنی و مدیریتی تولید کشاورزی است که بر مبنای قانون تعاونی تولید روستایی و با حفظ مالکیت فردی در کار تولید کشاورزی اداره می‌شود (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۸۲).

تعاونی تولید مشاع؛ مشاع اصطلاحی حقوقی، در برابر مفروض و به معنی مالکیت توأم و تفکیک نشده است. در اصطلاح نظام بهره‌برداری، مشاع، واحد بهره‌برداری گروهی است که حداقل از ۵ زارع تشکیل شده است. این واحدها پس از انقلاب و پس از تصویب شورای انقلاب به وجود آمده‌اند.

اهداف تعاونیهای تولید در ایران

مهم‌ترین اهداف شرکتهای تعاونی تولید در ایران رامی‌توان به این شرح برشمرد (اسلامی، ۱۳۸۳):

- ۱- حداکثر بهره‌برداری از منابع آب و خاک از طریق احداث شبکه‌های جدید آبیاری و تسطیح اراضی کشاورزی.
- ۲- آشنا ساختن اعضا با اصول و شیوه‌های صحیح کاشت، داشت و برداشت.
- ۳- استفاده صحیح از وسایل و ماشین‌آلات کشاورزی.
- ۴- فراهم ساختن امکانات و تسهیلات بیشتر برای این بخش در توسعه و بهبود صنایع دستی.
- ۵- تبدیل فرآورده‌های دامی و زراعی و گسترش فعالیت‌های مفید غیرکشاورزی.
- ۶- توسعه صنایع تبدیلی.
- ۷- بازاریابی و فروش محصولات کشاورزی اعضا.
- ۸- توسعه بیمه محصولات کشاورزی.
- ۹- استفاده صحیح و بهینه از سموم و دیگر نهاده‌های کشاورزی.
- ۱۰- ایجاد بستری مناسب برای توسعه مکانیزاسیون کشاورزی.
- ۱۱- تسهیل آموزش‌های فنی و ارتقای سطح دانش اعضا.
- ۱۲- افزایش تولید و کاهش هزینه‌های اعضا.
- ۱۳- ارتقای دانش، فرهنگ و سطح زندگی اعضا.
- ۱۴- افزایش قدرت و توان مالی اعضا.

راهبردهای سازمان خواربار و کشاورزی جهانی (فائو) در تعاونیها

یکی از اهداف عمده تعاونیهای تولید به عنوان بخش تفکیک‌ناپذیر روستا علاوه بر افزایش تولید محصول کشاورزی باید بهبود وضعیت اقتصادی و معیشتی اعضای تعاونی باشد. راهبردهای پنج‌گانه در نظامهای بهره‌برداری بزرگ از جمله تعاونیها عبارت‌اند از (ناوی ثانی، ۱۳۸۳):

- ۱- وجود الگوهای تولید
- ۲- تنوع تولید و فرآوری محصولات
- ۳- گسترش اندازه و تعداد مزارع
- ۴- افزایش درآمدهای خارج از مزرعه (اعم از کشاورزی و غیرکشاورزی)
- ۵- خروج از پرداختن مطلق به امر کشاورزی

نابرابری میان کشاورزان کشورهای توسعه یافته و جهان سوم در فرایند جهانی شدن عدم توازن: تنها دو درصد از کشاورزان جهان یک تراکتور دارند. از هر سه کشاورز فقط

یک نفر بادستهای خالی و بدون هرگونه کود شیمیایی، غذای دام و نژاد حیوانی امرار معاش می‌کند. این تصاویر بیانگر فاصله عمیق بهره‌وری فناوری در کشورهای شمال و جنوب است. کشورهای جنوب به دلیل اینکه از کشاورزی مدرن و پر بازده محروم هستند، نمی‌توانند امکانی برای فروش محصولاتشان به شمال بیابند و به خودکفایی غذایی برسند. در شرایطی که در کشورهای در حال توسعه، ۱/۱ میلیارد نفر گرسنه هستند، که نیمی از آنها هم کشاورزانی‌اند که قادر به بقاء و حفظ خانواده‌شان نیستند. تعداد بسیار زیادی از مردم کشورهای پیشرفته از چاقی و اضافه وزن رنج می‌برند.

در زیر به نکات جالبی در مورد غذا، وضعیت کشاورزی و تغذیه در جهان اشاره می‌شود (Young Reporters of the Environment Documentation).

- رژیم غذایی شما، نخستین داروی شماست.
- ۲۴۰۰ نفر هر روز از گرسنگی در جهان می‌میرند.
- هر آمریکایی روزانه ۳۶۰۰ کالری مصرف می‌کند که ۶۷ درصد بیشتر از میزان متوسط مصرف یک آفریقایی است.
- کشورهای توسعه یافته سالانه ۳۵۰ میلیارد یورو یارانه برای کشاورزی و حفاظت از بازارشان صرف می‌کنند در حالی که همین کشورها سالانه تنها ۸ میلیارد یورو به کشاورزی کشورهای در حال توسعه کمک می‌کنند.
- ۹۰ درصد تجارت جهانی غلات را ۴ شرکت چند ملیتی برعهده دارند.

جمع‌بندی

● «تئودور شولتز» اقتصاددان آمریکایی در اوایل دهه ۱۹۶۰، نظریه سرمایه‌انسانی را مطرح و ادعا نمود که افزایش در آمد سرانه کارگران ناشی از سرمایه‌گذاری در انسان است و سرمایه‌گذاری در انسان یعنی سرمایه‌گذاری در آموزش و پرورش. وی در بررسی خود به این نتیجه رسید که سرمایه‌گذاریهایی که در آمریکا در خصوص منابع انسانی مانند آموزش، بهداشت و امور فرهنگی صورت گرفته است، می‌تواند دلایل پیشرفت آمریکا را نسبت به انگلستان توجیه کند (فیوضات، ۱۳۷۸).

علاوه بر شواهد و داده‌هایی که طرفداران «نظریه سرمایه‌انسانی» در مورد رابطه بین آموزش و رشد اقتصادی طرح می‌کنند، مطالعات دیگری نیز در خلال دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ صورت گرفت تا به کمک شواهد تجربی ارتباط بین آموزش و رشد اقتصادی بهتر نشان داده شود.

در این مطالعات، رابطه بین میزان بهره‌وری کشاورزان، متغیر وابسته و شاخص اندازه‌گیری عملکرد اقتصادی و سطح تحصيلات کشاورزان نیز متغیر مستقل قرار داده شد. نتایج نشان داد که رابطه‌ای مستقیم بین دو متغیر فوق وجود دارد. «لاکهد»^{۱۹}، ماحصل ۱۸ مورد مطالعه مربوط به تأثیر سطح تحصيلات کشاورزان را در بالا رفتن بهره‌وری آنها تجزیه و تحلیل کرد. این مطالعات که در کشورهای کم‌درآمد صورت گرفته بود، برای بررسی دو فرضیه بود. فرض نخست این بود که بالا رفتن سطح تحصيلات، کارآیی کشاورزان را افزایش می‌دهد و فرض دوم این بود که بازده تحصيلات در جوامع متحول و متجدد بیشتر از جوامع سنتی است. وی به این نتیجه رسید که بهره‌وری کشاورزانی که تحصيلات ابتدایی چهارساله خود را تمام کرده‌اند، نسبت به کشاورزانی که هیچ نوع تحصيلات رسمی ندارند، به طور متوسط ۷/۴ درصد بیشتر است. ضمناً تجزیه و تحلیلهای «لاکهد» نشان داد که اولاً حداقل تحصيلات باید ۴ تا ۶ سال باشد تا تأثیرات آن مشاهده، ثانیاً آثار تحصيلات محیط کشاورزی مدرنیزه بارزتر از محیط کشاورزی سنتی است (محسن‌پور، ۱۳۷۷).

● جهانی‌سازی اقتصاد باعث نگرانیها و امیدهای کشورهای جهان، به ویژه ملل در حال توسعه و با اقتصادهای نوپا و نوظهور است. در بخش کشاورزی، عده‌ای از اندیشمندان مانند «وندناشیوا»، معتقدند که جهانی‌سازی اقتصاد، باعث افزایش و گسترش ناامنیهای اقتصادی و اجتماعی، بی‌ثباتیهای سیاسی و در نهایت تخریب محیط زیست به دست شرکتهای چند ملیتی و سازمانهای بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی می‌گردد. عده‌ای دیگر از صاحب‌نظران داخلی و بین‌المللی معتقدند که جهانی‌سازی اقتصاد، فرصتی است که در صورت شناسایی دقیق ابعاد آن و برنامه‌ریزی منسجم، می‌تواند باعث جهش اقتصادی و دسترسی به توسعه در کشورهای در حال توسعه شود.

● سوابق تاریخی و آثار مشهود تعاون در جامعه امروز، قویاً مؤید این نظر است که مردم نیازمند تعاون هستند زیرا هم زمینه پذیرش مضامین نو و شیوه‌های مناسب و کارساز آن، در بستر فرهنگ جامعه امروز آماده است، و هم تحولات اقتصادی و اجتماعی ناشی از گسترش علوم و فناوریهای نوظهور این ضرورت را ایجاب می‌کنند (شهبازی، ۱۳۸۱).

سابقه فعالیت‌های مشارکتی و گرایش به تشکیل تعاونی به گذشته‌های بسیار دور برمی‌گردد، اما در صد سال اخیر این فعالیتها در قالب شرکتهای تعاونی پیشرفته، هدفمند و سازمان یافته نمود پیدا کرده است. یکی از وجوه اساسی شرکتهای تعاونی که نشان از سازمان یافتگی، هدفمندی و نظم آنها دارد، برنامه‌ریزی است. به عبارت دیگر هیچ اقدامی در شرکتهای تعاونی

واقعی صورت نمی‌گیرد، مگر اینکه در چهارچوب برنامه‌ای تنظیم شده جای داشته باشد. برنامه نیز معنای اصیل و واقعی به خود نمی‌گیرد مگر آنکه حاصل اراده و مجالست اعضای آن شرکت تعاونی باشد (عباسی، ۱۳۸۳). مطالعات گوناگون نشان می‌دهند که در صورت پیوستن ایران به سازمان تجارت جهانی (کاری که حتماً در چند سال آینده خواه ناخواه صورت می‌پذیرد)، بیشتر کشاورزان ایرانی قدرت و توان مقابله با آثار آن را ندارند و حداقل ۷-۵ میلیون کشاورز در سرتاسر ایران ورشکست و بیکار می‌شوند، بررسیها نشان می‌دهند که قیمت تمام شده بسیاری از محصولات اساسی کشاورزی (مانند گوشت، برنج، گندم و...) در ایران بین ۲ الی ۴ برابر قیمت جهانی آنها در بازارهای جهانی است. علت اساسی آن فناوری و مدیریت نامناسب در مزارع، کوچک و پراکنده بودن مزارع، عدم دسترسی به خدمات و امکانات و حمایت دولتی و غیردولتی لازم از کشاورزان در مراحل گوناگون تولید است. که در نهایت موجب غیراقتصادی شدن تولید در ایران و حذف کشاورزان ایرانی از سوی رقبای کارآمدتر، مدرن تر و یکپارچه تر مانند شرکتهای چندملیتی کشاورزی می‌شود. تبعات این امر، تشدید گسترده و عظیم بیکاری، مهاجرت، ناهنجاریهای گوناگون فردی و اجتماعی، افزایش واردات مواد غذایی اساسی (مثل مکزیک) و مصرف ارز و تحمیل هزینه‌های کمرشکن خواهد بود (کلانتری، ۱۳۸۱).

● کوچک بودن و پراکندگی قطعات اراضی امکان استفاده بهینه و مناسب از امکانات و تکنیکهای پیشرفته و ماشین آلات را محدود می‌کند و تجهیز زیرساختها و بهره برداری صحیح از منابع آب و خاک را، مشکل و حتی غیرممکن می‌سازد. از طرف دیگر پایین بودن سطح اطلاعات و فناوری، نیروی انسانی غیرماهر و کم سواد و قطعات غیرهندسی واحدهای بهره برداری، موجب تشدید محدودیتهای استفاده مناسب از منابع آب و خاک می‌شود. از این روی تردید ایجاد و گسترش تعاونیهای تولید منجر به یکپارچه سازی اراضی و تجهیز و نوسازی مزارع و افزایش بازده و عملکرد محصولات زراعی (قیصر دهی، ۱۳۸۳) خواهد شد. تعاونی به تنهایی وسیله ضعیفی برای ایجاد تغییر در جامعه است. تعاونیهای تولید روستایی، قادر به ایجاد تغییرات اساسی مجزا از روابط تولید و مبادلاتی مسلط در جامعه نیستند. آنها ممکن است بتوانند نیروهای تولیدی را در جامعه توسعه دهند، کنش متقابل بین تولید و مبادله را سهل نمایند، و نیروی کار را در جامعه پویاتر نمایند، اما تأسیس آنها در جامعه باید همگام با سایر بخشهای نظام اقتصادی اجتماعی باشد (لهسایی زاده، ۱۳۷۹). از نظر بانک جهانی، اهداف وسیع و گسترده توسعه روستایی عبارت اند از: رشد فقرزدایی و مدیریت بهبود یافته منابع پایه طبیعی. توسعه فناوری و پذیرش سریع آن در نظامهای تولید و فرآوری کشاورزی، عناصری کلیدی در دستیابی به این اهداف وسیع و گسترده بخشی هستند (World Bank, 1996). تجارب کشورهای موفق در زمینه توسعه روستایی و گسترش و انتقال فناوریهای موفق به

روستاییان، همگی حاکی از نقش کلیدی تعاونیها و مشارکتهای مردمی در دستیابی به موارد فوق است. از نمونه‌های دیگر می‌توان به تعاونی لبنیات در ایالت آندرا پرادش^{۲۰} هند، پروژه آبیاری ملی در فیلیپین، بانک گرامین^{۲۱} در بنگلادش و تعاونی دیدار در همین کشور اشاره کرد. بنا بر اعلام بانک جهانی، فقر زدایی از جوامع روستایی تنها با سازماندهی فقیران روستایی به ویژه در قالب تعاونیها که شکل عمده مشارکتهای مردمی هستند، امکان پذیر است (World Bank, 1994; 2002).

در کل، شرکتهای تعاونی به ویژه تعاونیهای تولیدی می‌توانند با یکپارچه و متحد کردن کشاورزان، زمینه استفاده از امکانات فناوریهای جدید و بهینه، فنون مدیریت تولید در مراحل گوناگون کاشت، داشت، برداشت، بازاریابی و فرآوری را برای زارعان فراهم کنند و در بازار پر رقابت جهانی، بقاء و حتی توسعه و پیشرفت را برای آنان امکان پذیر نمایند و به حفظ و ایجاد فرصتهای شغلی جدید و موجود، کمک فراوانی کنند.

پیشنهادها

برای رسیدن به اهداف و ویژگیهای یاد شده، به ویژه در مبحث اشتغال برای دانش آموختگان بخش کشاورزی، انجام اقدامات زیر پیشنهاد می‌شود:

- ۱- آموزش و ترویج و انتقال یافته‌های علمی.
- ۲- یکپارچه سازی اراضی و قطعه بندی با توجه به تناوب زراعی.
- ۳- تجهیز و نوسازی مزارع.
- ۴- توسعه مکانیزاسیون.
- ۵- به کارگیری روشهای جدید زراعی.
- ۶- تأمین و مصرف بهینه نهاده‌های کشاورزی.
- ۷- توسعه دامپروری و شیلات.
- ۸- توسعه صنایع کشاورزی و روستایی.
- ۹- توسعه فعالیت‌های بازاریابی و بازرگانی.
- ۱۰- ایجاد سازوکارهای تشویقی و هدایتی برای هدایت جوانان تحصیل کرده و علاقه مند به کشاورزی در قالب انواع تعاونیهای تولید کشاورزی به ویژه از طریق سیاستهای بانکی و مالیاتی و ...).

20. Andhra Pradesh

21. Grameen Bank

منابع

- ۱- احمدپور داریانی، م. (۱۳۷۸)، کار آفرینی. تهران: شرکت پردیس ۵۷.
- ۲- ادریسی، الف. (۱۳۸۳)، «جهانی شدن و فرهنگ». سومین همایش علوم انسانی و هنر. اراک: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.
- ۳- اسلامی، ع. (۱۳۸۳)، «راهکارهای توسعه تعاونیهای تولید (گلوآژه‌ها)». ماهنامه صالحین روستا. س ۲۲، ش ۲۲۲، صص ۳۹-۳۸.
- ۴- دانشگاه شیراز (بی تا)، جزوه درسی اصول اقتصاد کشاورزی. شیراز: دانشگاه شیراز، دانشکده کشاورزی، گروه اقتصادی کشاورزی.
- ۵- رفیع پور، ف. (۱۳۷۸)، آنا تومی جامعه، مقدمه ای بر جامعه شناسی کاربری. چاپ اول، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- ۶- رنجبریان، ر. و رنجبریان، ل. (۱۳۸۳)، «جهانی شدن اقتصاد و تحولات بازار». سومین همایش علوم انسانی و هنر. اراک: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.
- ۷- سن گوپتا، ر. (۱۳۸۳)، کار آفرینی و ویژگیهای کار آفرینان، گزارش برنامه بین المللی آموزش مشاوران شغلی. ترجمه شهناز طباطبایی، تهران: وزارت کار و امور اجتماعی، معاونت برنامه ریزی منابع انسانی و سیاست گذاری اشتغال.
- ۸- شهبازی، الف. (۱۳۸۱)، توسعه و ترویج روستایی. چاپ سوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- شهریاری، ز. و جولاباردی، ز. (۱۳۸۳)، «سیستمهای مؤثر اطلاعاتی برای انتقال تکنولوژی در ترویج کشاورزی». سومین همایش علوم انسانی و هنر. اراک: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.
- ۱۰- صمد آقایی، ج. (۱۳۷۸)، سازمانهای کار آفرین. تهران: مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۱۱- طبیعی، ح. (۱۳۷۴)، مبانی جامعه شناسی و مردم شناسی ایلات و عشایر. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۲- عباسی، م. ر. (۱۳۸۳)، «مشارکت اعضاء اساس برنامه ریزی است». ماهنامه صالحین روستا. س ۲۲، ش ۲۲۲، صص ۳-۲.
- ۱۳- عسگری، ن. (۱۳۸۱)، «توسعه کار آفرینی در دانشگاهها». ماهنامه مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی آموزشی سازمان سنجش آموزش کشور. ش ۳، ص ۹.
- ۱۴- فیوضات، ی. (۱۳۷۸)، مبانی برنامه ریزی آموزشی. چاپ هشتم، تهران: مؤسسه نشر ویرایش.
- ۱۵- قیصر دهی، ف. (۱۳۸۳)، «دورویکرد اساسی برای توسعه تعاونیهای تولید». ماهنامه

- ۱۶- کلانتیری، ع. (۱۳۸۱)، سخنرانی در مراسم افتتاحیه همایش ملی کشاورزی پایدار در ایران. پیشوا: دانشگاه آزاد اسلامی ورامین.
- ۱۷- گنجی، ح. (۱۳۸۲)، روان‌شناسی عمومی. تهران: ساوالان.
- ۱۸- لهستانی‌زاده، ع. (۱۳۷۹)، جامعه‌شناسی توسعه روستایی. چاپ اول، شیراز: نشر زر.
- ۱۹- متقی‌طلب، م. (۱۳۸۲ الف)، «جایگاه و نقش کشاورزی در فرآیند جهانی شدن (قسمت دوم و پایانی)». ماهنامه ترار. سال اول. شماره دوم. صص: ۶-۷.
- ۲۰- متقی‌طلب، م. (۱۳۸۲ ب)، «نقش و مزایای مراکز رشد در توسعه فناوری و تجارت بخش کشاورزی». ماهنامه ترار. س ۱، ش ۳، صص ۶-۷.
- ۲۱- محسن‌پور، ب. (۱۳۷۷)، برنامه‌ریزی آموزشی. چاپ دوم، تهران: وزارت آموزش و پرورش، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی.
- ۲۲- مرادی، م. (۱۳۸۳)، «گذری اجمالی بر سازمان تجارت جهانی و ایران». سومین همایش علوم انسانی و هنر. اراک: دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک.
- ۲۳- مقیمی، ف. (۱۳۸۱)، «کار آفرینی». گاهنامه مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی آموزشی سازمان سنجش آموزش کشور. ش ۳، ص ۷.
- ۲۴- ناوی‌ثانی، ر. (۱۳۸۳)، «ضرورت‌های ایجاد و گسترش واحدهای فرآوری و نگهداری در تعاونیهای تولید روستایی». ماهنامه صالحین روستا. س ۲۲، ش ۲۲۲، صص ۱۸-۱۹.
- ۲۵- نصیری قیداری، ح. (۱۳۸۱)، «بستر سازی کار آفرینی، همت‌همگانی می‌طلبد». ماهنامه تخصصی بازاریابی. ش ۲۲.
- ۲۶- وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۸۲)، واژه‌ها و مفاهیم مورد استفاده در نظامهای بهره‌برداری کشاورزی. چاپ اول، تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- ۲۷- هاشمی‌داران، ح. (۱۳۸۴)، اشتغال و کار آفرینی در بخش کشاورزی ایران با تأکید بر فارغ‌التحصیلان کشاورزی». مقاله ارائه شده در همایش ملی کار آفرینی. روده‌ن: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۲۸- یداللهی فارسی، ج. (۱۳۸۳)، «کار آفرینی». سمینار کار آفرینی و فارغ‌التحصیلان دانشگاهی. طرح مشترک ایران و آلمان (GIAN). تهران: دانشگاه تهران.

29- Mecllelland, D. (1961), *The Achieving Society*. Princeton NJ: Van Nostrand.

30- Oxford Dictionary (1990), *Oxford Dictionary*. London : Oxford University.

- 31- Penrose, E. (1968), **The Theory of Growth of the Firm**, Oxford: Basil Blackwell.
- 32- Plamer, M.(1987), "The application of psychological testing to entrepreneurial potential". in C. Baumbach and J. Mancuso (eds.), **Entrepreneurship and Venture Mangement**. Princeton NJ: Prentice - Hal Inc.
- 33- Robbins, P. (1999), "Review of the impact of globalization on the agricultural sectors and rural communities of ACP countries". available at: www.cta.int/pubs/globalreview/globalReview.pdf.
- 34- Saldanha, J.M. (2003), "Agriculture, small countries and globalization". available at: www.Gov.east-timor.org/maff/ta100/ta109.pdf.
- 35- Shiva, V. (2000), "Poverty and globalisation". available at: www.ratical.org/coglobalize/lecture5.html.
- 36- Shiva, V. (1997), "The threat of the globalization of the agriculture". available at: www.harford-hwp.com/archives/25a/007.html.
- 37- Webster, M. (1995), **Webster's New Collegite Dictionary**. Massachusetts: USAG and C. Merriam Company.
- 38- World Bank (1996), "Agricultural extension and research : achievements and problems in national systems". available at : www.worldbank.org/html/oed/15828.ht.
- 39- World Bank (1994), "Poverty alleviation through agricultural projects". **Annual EDI Policy Seminar**. Washington, D.C. : Worl Bank.
- 40- World Bank (2002). "Using information and communications technology to reduce poverty in rural India". No.70, available at: www.wordbank.com.
- 41- Young Reporters for the Environment Documentation. "Feeding the world, a millennial occupation". available at : www.ac-grenoble.fr/yre/article.php3?id_article=150-24k-0.